

تعلیم مقدماتی

درس ۵: روح القدس و کلیسا

دکتر آر. سی. اسپرول

ما در این جلسه‌ی مطالعه‌ی اعتقادنامه‌ی رسولان و پایه‌های آموزه مسیحی، می‌خواهیم به اعتراف کلیسا درباره‌ی روح القدس و کلیسا بپردازیم. یعنی این بخش از اعتقادنامه که می‌گه: "من ایمان دارم به روح القدس، و به کلیسای مقدس جامع و به شراکت مقدسین".

ما قبلاً متوجه شدیم که اعتقادنامه‌ی رسولان و حتی پیش از اون، نماد رومی در دوران اولیه، به‌طور خودآگاهانه سه‌گانه یا تثلیثی بود. دلیل برای گفتن این حرف، صرفاً اینه که بعضی فکر می‌کنن مفهوم کامل تثلیث تا قرن چهارم، یعنی تا زمان شورای نیقیه، شکل نگرفته بود.

اما حقیقت اینه که از شورای نیقیه دعوت شد تا چیزی رو که از ابتدا یک اعتراف آشکار به ایمان تثلیثی بود، دوباره تأیید و اونو با قطعیت اعلام کنه. پس این اعتقادنامه به‌سادگی یک اعلان مختصر به ما می‌ده، "من ایمان دارم به روح القدس"، چیز بیش‌تری درباره‌ی روح القدس بیان نشده. ما این‌جا تصویری مثل چیزی که بعدها در تاریخ کلیسا درباره‌ی نقش روح القدس و کارکرد اون دیده می‌شه، نداریم. ولی بیابین خیلی خلاصه به‌یاد داشته باشیم که در دسته‌بندی‌های کتاب مقدسی، یکی از مهم‌ترین چیزهایی که باید درک کنیم، یعنی چیزی که مخصوصاً برای مسیحیان جدید مهمه، درک این موضوعه که روح القدس یک شخصه، نه صرفاً یک نیرو یا قدرت فاقد شخصیت. روح القدس "او" هست، نه "آن".

و به دلایلی، زبانی که ما در کلیسا به‌کار می‌بریم، اغلب خیانت به درک از روح القدس هست، انگار اون در واقع یک نیروی فاقد شخصیته. نقش روح القدس در زندگی مسیحی ما حیاتیه. می‌دونیم که جنبه‌های زیادی از کار اون وجود داره، این‌که روح القدس در خلقت نقش داشته. یادتون باشه که وقتی خدا جهان را به‌وجود آورد، جهان بی‌شکل و خالی بود و تاریکی بر روی ژرفا بود. روح خداوند سطح آب‌ها رو فرو گرفته بود یا روی سطح آب‌ها حرکت می‌کرد. و از این تصویر ازلی و اولیه، از چیزی که بدون نظم یا ساختار بود یا شاید حتی شرایط آشفته‌ای بود، نور و ثبات بیرون میاد.

روح القدس عامل سردرگمی نیست، در عهد جدید به ما گفته شده که روح القدس، روح حقیقت هست. روح القدس قابل اعتماد، می‌تونیم بهش تکیه کنیم، می‌دونیم که اون بانی حقیقت و

نقشش رو در مسیح انبیاء می‌بینیم، روح خداوند بر نبیّ میاد و بعد، اون نبیّ، حقیقت خدا رو اعلام می‌کنه. روح القدس، آیات کتاب مقدس رو وحی یا الهام کرد و بر اونا نظارت داشت.

زندگی مسیحی با حیات بخشیدن توسط خدای روح القدس آغاز می‌شه، جایی‌که عمل روح القدس، وضعیت قلب ما رو تغییر می‌ده تا باعث بشه که نسبت به امور خدا زنده بشیم. پس آغاز زندگی مسیحی، که ما اونو تولّد تازه می‌نامیم، تحت تأثیر قدرت روح القدس هست. ولی این فقط آغاز کاره، یعنی تولّد ما برای مشارکت داشتن با خدا. کلّ روند تجربه‌ی مسیحی ما، رشد ما در فیض و رشد ما در بلوغ روحانی که بهش می‌گیم روند تقدیس شدگی، همگی با کنترل و مسئولیت خدای روح القدس به‌دست میان.

بسیار خب، اخلاقیات عهد جدید از ما می‌خواد که ثمره‌ی روح القدس رو آشکار کنیم، یعنی محبت و ملایمت و مهربانی و حلم و صبر و تحمل و غیره. این تأثیر از جانب یک شخص فراطبیعی در زندگی ما ایجاد می‌شه. یعنی شخص سوم تثلیث. منظور اینه که قدرتی که در ما ساکنه، فقط یک نیروی فاقد شخصیت نیست، بلکه این روح القدس هست که در ما ساکنه و در ما کار می‌کنه و بهمون کمک می‌کنه که زندگی مسیحی خودمون رو پیش ببریم.

البته که اینا ابعاد استاندارد و مرسوم فعالیت روح القدس هست که به‌نظرم، اکثر ما باهاشون آشنایی نسبتاً خوبی داریم. اما بعدی از روح القدس و توجه شخصی اون نسبت به ما وجود داره که می‌خوام پیش از رسیدگی به موضوع کلیسا، بهش بیردازم. این‌که در عهد جدید، وقتی عیسی در بالاخانه با شاگردانش صحبت می‌کنه و ما این سخن‌رانی طولانی رو دربارهی فرستادن روح خدا در انجیل یوحنا ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷ داریم، عیسی روح رو با عنوان برتر اون در عهد جدید خطاب می‌کنه، یعنی "Paraclete" اگر من از دانشجویان الهیات خودم سؤال کنم و بگم که پاراکلیت در عهد جدید کیه؟ برای این لقب، صد در صد دانشجویان، یک پاسخ مشترک می‌دن: "خُب، پاراکلیت، روح القدس هست." و من می‌گم: "خُب، تا حدودی درسته." اما وقتی عهد جدید، پاراکلیت رو معرفی می‌کنه، اونو با یک نقش عجیب معرفی می‌کنه. اون "آن پاراکلیت" نامیده نمی‌شه، عیسی نمی‌گه که من "آن پاراکلیت" را نزد شما می‌فرستم، بلکه می‌گه، من چه چیزی رو می‌فرستم؟ یک پاراکلیت دیگر.

در زبان انگلیسی، ما ترجمه‌های مختلفی ازش داریم. ترجمه‌ی قدیمی و سنتی برای پاراکلیت، کلمه‌ی "تسلّی‌دهنده" بود. حالا، ترجمه‌های جدیدتر تمایل دارند که کلمه‌ی یونانی "Paracletos" رو در انگلیسی به "وکیل مدافع" ترجمه کنند. خُب؟ پاراکلیت، برگرفته از دو کلمه‌ی یونانی هست، یک مقدّمه- یا پیش‌وند "Para" و "clete" که برگرفته از "klatos" در

یونانی، که یک اسم برگرفته از فعل “kaleo” هست. شاید زبان یونانی بلد نباشین، ولی قطعاً این کلمه رو در زبان انگلیسی شنیده‌اید، “kaleo” یک کلمه‌ی یونانی سخت نیست که تتونین به‌خاطر بسپرین، این یک کلمه‌ی آسون هست، چون به‌معنای، فراخواندن هستش “Kaleo”، فراخواندن... آسونه. این کلمه در زبان انگلیسی، در کجا به واضح‌ترین شکلش ظاهر می‌شه، در چارچوب کلیسایی ما؟ در چارچوب کلیسایی ما؟

معادل یونانی عهد جدید برای کلیسا، “ecclesia” است، که چند لحظه‌ی دیگه بهش می‌پردازیم، و این پیشوند “ek”، با همان فعل “kaleo” است. اِکلیسیا کسانی هستند که خدا اونا رو فرا خونده، از دنیا به بیرون خونده شدن تا با خدا مشارکت داشته باشن. می‌بینین؟ پس شما همون ریشه‌ی اولیه رو برای کلمه‌ی کلیسا دارین، همون چیزی که در عنوان روح‌القدس، یا پاراکلیت، وجود داره، اما با یک پیشوند متفاوت. کلیسا اونایی هستن که فرا خونده شدن. یک پاراکلیت، کسی هست که فرا خونده شده “para” -یعنی دوشادوش .

ما در کلیسا بین خدمت کلیسایی و خدمات فراکلیسایی، تمایز قائل می‌شیم. خدمات فراکلیسایی چی هستن؟ این خدمت‌ها خارج از کلیسا هستن، ولی به این دلیل نیست که خدمات فراکلیسایی خونده می‌شن. اونا دوشادوش کلیسا کار می‌کنن. اونا کنار کلیسا می‌ایستن. اونا به‌نوعی، بازوی کمکی کلیسا هستن. می‌دونین، در زبان انگلیسی، کلمه‌هایی مثل سربازهای چتر باز، پزشک‌یاران، معنی کلمه‌ی para رو می‌رسونن.

پس پاراکلیت، کسی هست که فرا خونده شده تا دوشادوش شخصی به‌ایسته، کنارش باشه. یک پاراکلیت در دنیای باستان، منظورم اینه که این عنوانی بود که به یک وکیل مدافع داده می‌شد. معمولاً یک‌نوع وکیل مدافع خانوادگی – یک وکیل دائمی بود. پس هربار که یک‌نفر دچار مشکل می‌شد، می‌تونست پاراکلیت خودش رو صدا کنه تا در بحران در کنارش باشه .

حالا، دلیل تأکیدم روی این نکته، اینه که وقتی عیسی گفت: “من می‌روم و یک تسلی‌دهنده یا پاراکلیت را برای شما می‌فرستم.”، نگفت که شما رو مثل بره به‌میان گرگ‌ها می‌فرستم و خسته‌خاطر می‌شین؛ و تحقیر شده و با مصیبت و جفا و همه‌ی این رنج‌ها روبه‌رو می‌شین، اما نگران نباشین، بعد از این‌که از همه‌ی این گرفتاری‌ها عبور کرده و به خانه اومدین و با ناامیدی اشک ریختین، من روح‌القدس رو می‌فرستم تا حالتون رو بهتر کنه. اونا این‌جا چنین چیزی نمی‌گه. مسیح می‌گه که من پاراکلیت دیگری می‌فرستم تا کنار شما به‌ایسته، چه زمانی؟ در میان نبرد، در هنگام کشمکش و بحران. در واقع دلیل این‌که در ترجمه‌ی «کینگ جیمز»، از اصطلاح

تسلّی‌دهنده استفاده شده، اینه که وقتی نسخه‌ی کینگ جیمز نوشته می‌شد، زبان انگلیسی در اون زمان، در مقایسه با آلآن، پیوند بسیار نزدیک‌تری با ریشه‌ی لاتین خودش داشت .

یک تسلّی‌دهنده، اون‌طور که امروز توصیف می‌شه، نبود. بلکه در این‌جا، این کلمه برگرفته از لاتین هست، در زبان یونانی که ازش گرفته شده "paraclatos" هست، در زبان لاتین "cum" هست، "cum" در لاتین چه معنایی داره؟ "همراه"، پس تسلّی‌دهنده، کسی هست که همراه و برای دسته‌ای از شما میاد که پیانو می‌نوازید "forte" یعنی قوی! اما فقط قدرت نیست، اگر بگم چیزی برای یک نفر forte است، منظورم نقطه‌ی قوّت اونه. پس تسلّی‌دهنده، کسی هست که با قدرت میاد.

پس عیسی وعده‌ی روح‌القدس رو به‌عنوان یاور ما بهمون می‌ده که در کنار ما می‌ایسته و باید اینو برای تشویق، اضافه کنم. من به‌نوعی تمایل دارم از این نکته حمایت کنم، چون حدّاقل در عهد جدید، تأکید و گاه، تمایل زیادی برای اهمیت تشویق در جامعه‌ی مسیحی می‌بینم. من درباره‌اش خیلی فکر کردم، مثلاً، من به دانشجو هام می‌گم منفی‌ترین ممنوعیتی که عیسی برای قومش در عهد جدید تعیین می‌کنه، چیه؟ اونا به من می‌گن: "خُب، دزدی نکن، قتل نکن، کارایی رو نکن" - و من می‌گم، خیر، خیلی فراتر از این‌هاست، بالاترین ممنوعیت اینه که: ترسید، ترسان مباشید. درواقع، عیسی اون‌قدر این جمله رو تکرار می‌کنه که ما اغلب اونو نادیده می‌گیریم، مثل سلام و خداحافظی به‌نظر می‌رسه. هر بار که اون وارد صحنه می‌شه، می‌گه: "ترسان مباشید"، وقتی جایی رو ترک می‌کنه می‌گه: "ترسان مباشید". چرا خداوند ما بارها اینو تکرار کرده؟ من این‌جا حدس می‌زنم و فکر می‌کنم که عیسی چیزی درباره‌ی ذات انسانی درک کرده بود (شماره‌ی یک) و فهمیده بود که اگه چیزی بخواد مانع خدمت و مأموریت اون برای کلیساش بشه، این همون رخوت و ناتوانی حاصل از ترسیدن خواهد بود. (شماره‌ی دو) و دوباره نصیحت رسالت رو برای تشویق هم‌دیگه می‌بینیم.

من بارها درباره‌ی این موضوع با پسر م صحبت کردم؛ بهش می‌گم، ببین، یک پیش‌نیاز ضروری، یک عنصر که کاملاً برای وجود شجاعت ضروری هست، چیه؟ یک شرط لازم که بدون اون، شجاعت نمی‌تونه وجود داشته باشه. می‌گم عدم حضور ترس درست مخالف اونه. یعنی حضور ترس. چون برای انجام کاری که برات ترس ندارین، به شجاعت نیاز ندارین. درسته؟ به عبارت دیگه، فقط شخصی که ترسیده، می‌تونه شجاع باشه. اما کاری که شجاعت می‌کنه، اینه که با وجود ترس‌مون، به ما قابلیت عمل کردن می‌ده. کار شجاعت قهرمانانه، تماماً همینیه. و عیسی می‌گه: "بله، من نمی‌خوام که شما بترسید، اما از طرف دیگه، شماها خواهید ترسید. همیشه می‌ترسید".

مهم‌ترین عاملی که مانع پیش‌رفت کلیسا می‌شده ترس هست. می‌بینی؟ عدم حضور راست‌دینی به اندازه‌ی عدم شجاعت، ما را از قوم خدا بودن، باز نمی‌دارد. برای همین، عیسی گفت: "اول از همه، من روح‌القدس رو برای شما می‌فرستم، که میاد تا با شما به‌ایسته، تا شما رو تشویق کنه، تا به شما قوت ببخشه و علاوه بر این، می‌خوام که شما هم‌دیگه رو تشویق کنین".

الآن، این به‌طور طبیعی ما رو به سمت نکته‌ی بعدی اعتقادنامه هدایت می‌کنه، یعنی به‌محض این‌که درباره‌ی روح‌القدس صحبت می‌کنیم، که افراد رو تبدیل، تقدیس و ملزم می‌کنه و به اونا عطایا می‌بخشه و غیره- وقتی روح در زندگی فرد، کار می‌کنه، همیشه اون فرد رو به‌سوی یک اجتماع، یک گروه، هدایت می‌کنه و در اون قرار می‌ده. روح‌القدس، روح قدّوس هست، و مفهوم ریشه‌ای قدّوس، یعنی جدا شدن و تقدیس شدن. در عهد جدید، کلمه‌ی اصلی قدّوس، کلمه‌ی "hagios" است، صفت "hagios" ایمان‌داران در یک گروه، چه نامیده شدن؟ شما خادمان... پولس به مقدّسین در قرتس می‌نویسه، به مقدّسین در این‌جا، به مقدّسین در اون‌جا. معادل یونانی این چیه؟ به "hagioi" شما "hagios" یا "hagianuma" رو دارین، یعنی روح‌القدس رو که قدرت و ثمره‌ی خودش رو در افراد جاری می‌کنه و اونا مقدّسین نامیده می‌شن. نه به این خاطر که از این نظر پاک و عادل و کاملاً مقدّس هستند، بلکه به‌خاطر این‌که روح‌القدس در اونا ساکنه و روح‌القدس، اونا رو جدا کرده؛ اون با تقدیس کردن، اونا رو جدا می‌کنه و بعد باهم در یک بدن جمع می‌کنه. این افراد که مردان و زنان ایمان هستن، فرا خونده شدن که در یک مشارکت ایمانی شرکت کنن، که ما اونو کلیسا می‌نامیم. این اعتقادنامه اعلام می‌کنه که کلیسای مقدّس جامع باشیم، کلیسای مقدّس جامع.

حالا، اگه در دوره و زمانه‌ی ما، نهادی وجود داشته باشه که همیشه مقدّس به‌نظر نرسه، اون کلیساست. من بارها گفتم که کلیسا فاسدترین نهاد در جهان هست. اما این یک اعلان هدف‌منده، برای جلب توجه مردم، چون باید اونو توصیف کنم. من موافقم که بسیاری از نهادهای انسانی دیگه وجود دارن که از کلیسا فاسدتر هستن، مافیا و غیره. اما اگه اعمال کلیسا رو با توجه به معیار کتاب مقدّس بسنجیم، که می‌گه هرکس به او بیش‌تر داده شود، از او بیش‌تر نیز مطالبه خواهد شد. اگه ما اعمال یک نفر رو با توجه به قداست وظیفه‌اش و طریق خاصی که مورد برکت و فیض قرار گرفته در نظر بگیریم، در این صورت، فکر می‌کنم، با قضاوت براساس این نوع معیار مربوطه، کلیسا فاسدترین هست، چون ما در مقایسه با مافیا، خیلی بیش‌تر نسبت به معیارهایی که برای اون فرا خونده شده‌ایم، قصور ورزیدیم.

مافیا معیارهای والا و پرهیزگاران و اصیل نداره. وعده‌ی مسیح رو نداره که دروازه‌های جهنم بر اون استیلا نخواهد یافت و غیره. اما کلیسا این معیار رو داره، اما اگر درست باشه که کلیسا فاسدترین نهاد یا حتی یکی از فاسدترین نهادهای دنیاست، سؤال مهم بعدی اینه که چرا؟ فکر می‌کنم پاسخ من به این سؤال این است که چون مهم‌ترین نهاد دنیاست.

مهم‌ترین نهاد دنیا، کلیسای عیسی مسیح هست و همه‌ی نیروهای جهنم، اینو درک می‌کنن، پس بزرگ‌ترین هدف دیوها و نیروهای شیطانی، کلیسای عیسی مسیح هست. اما از بین همه‌ی نهادهای انسانی، این تنها نهادی هست که تضمین مسیح رو داره، ولی چرا این اعتقادنامه اونو مقدس می‌نامه، وقتی در واقعیت، همیشه مقدس نیست؟ خُب، به‌خاطر پاکی و عدالت تکتک اعضایش، مقدس نیست.

کلیسا تنها نهادیه که می‌دونم برای داخل شدن بهش لازمه گناهکار باشین. منظورم اینه که کلیسا طراحی شده که مشارکت مخصوصی باشه که به نفع گناهکاران ترتیب داده شده. درسته؟ به همین دلیل کلیسا وجود داره. کلیسا مشارکت گناهکارانه، و من همیشه به شوخی می‌گم که اگر کلیسای کاملی پیدا کردید، بهش نپیوندین، چون اونو خراب می‌کنین. این پایان کمال اون کلیسا خواهد بود. درسته؟ ولی دلیل مقدس بودن کلیسا، نهاد و سرِ اون یعنی مسیح هست. و مسیح کسی هست که گفت: "من کلیسای خود را بنا می‌کنم".

پس کلیسا وجود داره، چون از طرف مسیح فرا خونده شده، به‌دست مسیح تأسیس شده، از جانب مسیح مقرر شده، مسیح بهش عطایا بخشیده، روح‌القدس در اون ساکنه و ما از مزیت قدّوسیت کلیسا برخوردار می‌شیم. به عبارت دیگه، هر قدّوسیتی که دریافت می‌کنیم، به‌خاطر همون قدرتهایی هست که کلیسا رو در وهله‌ی اول، درکنار هم قرار می‌دن، یعنی به‌واسطه‌ی روح‌القدس و عیسی مسیح. و این‌طور نیست که ما هستیم که کلیسا رو مقدس می‌سازیم.

حالا، در ادامهی اشاره به این نهاد مقدّس، این نهاد خاص که مسیح مقرر کرده و همه‌ی مسیحیان رو فرا خونده که در اون شرکت کنن، به ما می‌گه که از جمع شدن با مقدّسین، غافل نشوید. وقتی صحبت از ایمان مسیحی در میان باشه، هیچ انسانی تنها نیست. همه‌ی ما هم وظیفه و هم امتیازی برای مشارکت در کلیسا داریم.

حالا، اعتقادنامه اعلان می‌کنه که به کلیسای مقدّس جامع باور داره. منظور، کلیسای کاتولیک رومی نیست، بلکه کلیسای مقدّس جامع هست. در این‌جا مفهوم کلمه‌ی جامع یا کاتولیک، در حدود اواسط قرن دوم، از طریق دایره‌ی لغات ایگناتیوس قدّیس، وارد دایره‌ی لغات اعلانات

اعتقادنامه‌ها شد. ایگناتیوس، اولین کسی بود که از این اصطلاح استفاده کرد، چون این واقعیت رو مشاهده می‌کرد که مسیحیان در هر جای دنیا که پراکنده می‌شدن، کلیسا هم به اون جا می‌رفت. پس اون از اصطلاح کاتولیک یا جامع، استفاده می‌کرد که به معنای جهانی هست، یعنی در هر جایی از دنیا که قوم خدا مشارکت می‌کنن، کلیسا وجود داره. البته بعدش اونا سعی کردن که اونو به صورت رسمی درآورده و بگن که چه چیزی کلیسا رو از چیزهای دیگه متمایز می‌کنه؟ و از همون ابتداء گفتن: "خُب، هر جا که شام خداوند برگزار بشه، اون جا کلیساست. بعدها در اصلاحات کلیسایی، روم گفت هر جا که اسقف باشه، اون جا کلیساست. اگر شما تأییدیه و مجوز اداره‌ی کلیسایی رو ندارین، هیچ کلیسایی وجود نداره. یک عده گفتند: "خیر، هر جا روح خدا باشه، اون جا کلیساست." پس این باعث ایجاد اختلاف نظرهایی بین فرقه‌های گوناگون شده، چون دربارهی این‌که کلیسا کجاست، بیش از یک فرقه وجود داره .

ولی پروتستان‌ها هنوز هم اعتراف اعتقادنامه‌ی رسولان رو حفظ کردن، چون اونا می‌گن اگرچه ما کلیسای کاتولیک رومی رو نمی‌پذیریم، اما قطعاً معتقدیم که چیزی به عنوان بدن جهانی مسیح وجود داره که بزرگتر، گسترده‌تر، عمیق‌تر و وسیع‌تر از فرقه‌هایی هست که ما اعضای اونا هستیم. حالا این موضوع در تاریخ کلیسا، مخصوصاً در اصلاحات پروتستان، مفهومی رو برای درک این کلیسای جهانی ایمان‌داران ایجاد کرده که این کار با مراجعه به کار آگوستین انجام شده، تمایزی که آگوستین بین کلیسای دیدنی و نادیدنی قائل شد، یک تمایز مهم، ولی خطرناک بود .

وقتی آگوستین، بین کلیسای دیدنی و نادیدنی تمایز قائل شد، با این تفکر به عهد جدید برگشت: اون کلیسایی که عیسی با استفاده از تصویر باغ، توصیف می‌کنه، جایی هست که همیشه علف‌های هرز در کنار گندم‌ها رشد می‌کنن. برای ورود به کلیسای مسیحی باید نوعی اعتراف ایمان زبانی کنین. باید بگین که ایمان دارین. خُب، آیا همه‌ی اونایی که می‌گن ایمان دارن، واقعاً ایمان دارن؟ خیر، عیسی، خودش این واقعیت رو تصدیق کرد که بعضی می‌تونن با لبان‌شون به اون حرمت و احترام بگذارن، درحالی‌که قلب‌هاشون از اون دور هست. پس ممکنه به انواع دلایل مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا هر چیز دیگه‌ای، اعتراف ایمان کنین، بدون این‌که در قلبتون، ایمان حقیقی داشته باشین. آگوستین گفته: "کلیسا در این جهان، همیشه یک *corpus* " *permixtum* خواهد بود، یک بدن مرکب از علف‌های هرز که در کنار گندم‌ها رشد می‌کنن، بدنی مرکب از ایمان‌دارانی که با غیر ایمان‌داران ترکیب شدن.

حالا منظور اون از کلیسای نادیدنی، نوعی کلیسای زیرزمینی نبود که اساساً در خارج از کلیسای دیدنی وجود داره. بلکه وقتی اینو می‌گفت، این اعلان رو کرد که کلیسای نادیدنی، اساساً در کجا

وجود داره؟ در کلیسای دیدنی؛ چون مسیح ما رو فرا خونده که مراسم شام خداوند و مشارکت و پرستش و همه‌ی این شهادت‌های دیدنی‌مون رو با یک کلیسای دیدنی انجام بدیم. اما آگوستین می‌گه که در کلیسای دیدنی، کلیسای نادیدنی، یعنی کسانی که قوم واقعی خدا هستن، وجود داره.

اونا نادیدنی نامیده شدن، نه به‌خاطر این‌که برای خدا نادیدنی هستن، بلکه به‌خاطر اینکه من نمی‌تونم قلب یک شخص دیگه رو ببینم. این از میدان دید من خارجه. من نمی‌تونم اونو ببینم. این برای من نامرئی هست، اما وجود داره و خدا می‌تونه اونو ببینه. درسته؟ حالا، فقط این رو مطرح می‌کنم - چون فقط یک دقیقه یا چیزی در همین حدود، وقت دارم - شراکت مقدسین، کلمه‌ی دیگری برای توصیف کلیسای جامع جهانی هست، معادل لاتین اون *communio sanctorum* هست.

حالا، فقط می‌خوام یک سوء تفاهم رایج رو برطرف کنم. اغلب اوقات وقتی مردم می‌گن، من به شراکت مقدسین ایمان دارم، فکر می‌کنن که دارن میگن، من به حق برگزاری آیین شام خداوند و اجرای اون ایمان دارم، چون در بسیاری از مشارکت‌های پروتستان، بهش میگن مشارکت، مشارکت مقدس. ولی شراکت مقدسین، یعنی یک مشارکت و رفاقت، یک برادری، یک پیوند برای همه‌ی مسیحیان جهان وجود داره، که توسط روح القدس انجام می‌شه. همه‌ی مسیحیانی که بخشی از کلیسای نادیدنی هستن، در یک پیوند مشترک و یک روح مشترک، سهیم هستن و به هم دیگه پیوند خوردن. یعنی، اگه مسیحی هستیم، در مسیح هستیم و مسیح در ماست. پس اگر شما در مسیح هستین و من در مسیح هستم، ما هر دو در مسیح هستیم، و یک اتحاد مشترک رو تجربه می‌کنیم. درسته؟ یک باهم بودن و یکی بودن وجود داره که به‌وسیله‌ی اتحادمون در مسیح و به واسطه‌ی روح القدس در اون شراکت داریم.

ولی نه‌تنها کلیسا به ایمان به یک مشارکت یا اتحادی اعتراف می‌کرد که فراتر از هر فرقه، مرزهای جغرافیایی، قومی و انواع مرزهای دیگه است، بلکه حتی از مرزهای زودگذر و موقتی هم فراتر میره. یعنی می‌گیم این‌جا یک عنصر رازآلود در بدن رازآلود مسیح وجود داره، این‌که نه‌تنها من به‌عنوان یک مسیحی با شما در مشارکت هستم، بلکه الآن، در این لحظه، من با مارتین لوتر و جان کالوین و آگوستین قدیس و همه‌ی مسیحیانی که تا الآن زندگی کردن هم مشارکت دارم، چون هر مسیحی که تا به‌حال زندگی کرده و وارد اتحاد با مسیح شده، این اتحادی که اون با مسیح داره نابود شدنی نیست. کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ مرگ، قحطی، خطرها، شمشیر، هیچ چیز نمی‌تواند ما را جدا سازد. هیچ چیز - و لحظه‌ای که لوتر در مسیح محسوب شد،

وارد یک اتحاد با خداوندش شد و به خاطر این اتحاد، به طور رازآلودی به همه‌ی اشخاص دیگری ملحق شد که در اتحاد با مسیح هستند. وقتی من وارد اتحاد با مسیح می‌شوم، وارد اتحاد با کل بدن مسیح می‌شوم، بدن اون در گذشته و در زمان حال. البته که با بدن او در آینده هم متحد خواهم بود. پس وقتی می‌گیم که به شراکت مقدّسین ایمان داریم، منظور ما همینه. بسیار خوب، دوباره زمانم تمام شد و در جلسه‌ی بعدی، به اعلانات آخر این اعتقادنامه، یعنی به بخشش گناهان، و رستائیز بدن و غیره می‌پردازیم.